

یک اختلال یادگیری، اختلالی عصب زیست شناختی است که از یک مشکل جدی در خواندن، حساب کردن و یا کلمه‌بندی نوشتن به وجود می‌آید که انتظار نمی‌رود به یک فرد عادی نسبت داده شود. یک اختلال یادگیری نه یک اختلال یادگیری است و نه به وسیله ی یک اختلال هیجانی ایجاد می‌شود. اگر درست ارزیابی نشود تأثیر بالقوه‌ای روی عملکرد ناسازگارانه‌ی فرد دارد و در حوزه‌های چندگانه‌ی زندگی ضعف ایجاد می‌نماید. وقتی فردی مظنون به اختلال یادگیری می‌شود، یک ارزشیابی عصب روان‌شناختی توانایی‌ها ضروری است تا منبع مشکل را به علاوه در حوزه‌های توانایی عصب روان‌شناختی تعیین کند که می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای فنون جبرانی و اختیارات درمانی باشد.

اختلال یادگیری چیست؟

یک اختلال یادگیری ۱ به وسیله متخصصان بهداشت روانی و پزشکی به عنوان یک اختلال عصب زیست شناختی و یا اختلال پردازش زبان تشخیص داده شده که به وسیله عملکرد مغز به وجود آمده است. یکی از پیامدهای ناکارآمدی مغز شیوه‌ای که افراد مبتلا به اختلال یادگیری اطلاعات را کسب کرده و پردازش می‌کنند که از عملکرد عادی و قابل انتظار برای کودک یا بزرگسالی که می‌تواند بدون مشکل جدی یاد بگیرد، متفاوت است. یک اختلال یادگیری ممکن است از لحاظ علمی در حوزه‌های شناسایی کلمه، ادراک خواندن، حساب کردن، استدلال کردن، هجی کردن و یا کلمه‌بندی نوشتن به وجود آید. یک اختلال یادگیری غالباً وابسته به عملکرد غیرعادی مغز به علاوه در حوزه گفتار است. یک اختلال یادگیری که در زمینه علمی تشخیص داده شده است ممکن است در زمینه‌های دیگر نیز اختلال ایجاد کند. به طور مثال فعالیت‌های روزمره یک فرد در خانه ممکن است از ناتوانی بالقوه حافظه، استدلال و یا حل مساله تأثیر بگیرد و وابسته به مشکل عصب زیست شناختی باشد. به علاوه ممکن است تأثیر نامطلوبی بر ارتباطات اجتماعی بگذارد زیرا که ضعف فرایند شناختی فرد باعث می‌شود که او در فکر کردن و یارفتار دچار اشتباه و یا دچار کج فهمی رفتار دیگران گردد.

اختلالات یادگیری ممکن است با حالت‌های مختلف ADHD (اختلال بیش‌فعالی همراه به نقص توجه)، اختلالات رفتاری، ناتوانایی‌های حسی یا دیگر شرایط کلینیکی یا عصب‌شناختی هم‌زیستی داشته که شامل بیماری‌های سلول‌های داسی شکل، دیابت‌ها، کم‌وزنی در هنگام تولد، جراحی قلبی نئوناتال، سرطان خونی، تورم لنفاوی حاد و هیدرو سفال‌ها می‌شود. ۱.

با وجود این به علت ضعف عملکرد و یا مشکلات اجتماعی، مبتلا بودن به اختلال یادگیری باعث افسردگی واضطراب می‌شود. اما این اختلال نه یک اختلال یادگیری است و نه به

ریشه‌های اختلال یادگیری

انواع زیادی از عملکردهای غیرعادی مغز وجود دارند که می‌توانند منجر به یک اختلال یادگیری شوند که تاکنون تغییرات و علل آن شناسایی و طبقه‌بندی نشده‌اند. به طور مثال نارساخوانی از اختلالات یادگیری‌ای است که روی خواندن و هجی کردن تأثیر می‌گذارد. تحقیقات نشان داده است که عملکرد غیر عادی مغز در پردازش زبانی - شنیداری

(مثل پردازش صداشناسی نام‌گذاری سریع اتوماتیک) در تعداد زیادی از افراد مبتلا به نارسا خوانی دیده شده است

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد که نام‌گذاری اتوماتیک و سریع و پردازش صدایی

هسته‌ی پردازش‌هایی هستند که مهارت‌های خواندن را پیش‌بینی می‌کنند

گرچه بعضی افراد درسیستم دیداری مغزشان ساختار متفاوتی دارند. ۲. تأثیرات نواقص ویژه‌ی دیداری بر روی یادگیری ممکن است به مهارت‌های دیگر بسط یابد. اختلال ریاضی اختلال یادگیری‌ای است که روی محاسبه‌ی ریاضیات و حل مساله تأثیر می‌گذارد. تحقیقات گوناگونی در حال انجام است که تعیین می‌کند انواع مختلف عملکرد غیر عادی مغز است که منجر به اختلال یادگیری می‌شود. تحقیق اختلال ریاضی که از

تصویر عصبی استفاده می‌کند به گستردگی تحقیق نارساخوانی نیست. ولی به هر حال مطالعات عصب شناختی به وضوح انواع ناکارآمدی‌های مغز را به اثبات رسانده است

نیاز به ارزشیابی مناسب ملاک‌های تشخیص یک اختلال یادگیری همزمان با تغییر تدابیر آموزشی و یافته‌های تحقیق تغییر می‌کنند. با وجود این‌ها این حقیقت که یک اختلال یادگیری نمایانگر عملکرد غیرعادی مغز است بحثی در آن نیست. بنابراین وقتی فردی در مدرسه و در زندگی روزمره با مشکل مواجه است مظنون به یک اختلال یادگیری می‌شود که یک ارزشیابی از توانایی‌های عصب روان شناختی او ضروری است تا نشان دهد که کدام عملکردهای مغز آن طوری که انتظار می‌رود کار نمی‌کنند و کدام عملکردهای مغز به قدر کافی کار نمی‌کنند. یک ارزشیابی عصب روان شناختی می‌تواند دامنه‌ی مورد نیاز ارزشیابی عملکرد خاصی که اغلب در اختلال یادگیری مورد بحث است را فراهم کند مثل توجه به توانایی‌های

حسی - حرکتی. ارزشیابی گسترده‌ی به دست آمده به وسیله‌ی یک ارزشیابی عصب روان شناختی امکان تشخیص نقاط ضعف و قوتی را که هر دو برای تعیین حوزه‌های مداخله مهم‌اند فراهم می‌نماید. اندازه‌گیری پاسخ‌ها برای مداخله و رویکردهای تشخیصی متداول در آمریکا نمی‌تواند جانشین یک ارزشیابی عصب روان شناختی جامع شود. اطلاعات پایه‌ای در رابطه با توانایی دیداری و کلامی می‌تواند از یک آزمون جامع هوشی (IQ) تفسیر شده توسط یک متخصص واجد شرایط به دست آمده باشد. مدارس دولتی متخصصانی را که واجد شرایط اجرا و تفسیر آزمون‌های هوشی‌اند استخدام می‌کنند. اگر چه مدارس خصوصی و دانشگاه‌ها متخصصان تعلیم دیده برای اجرا و تفسیر آزمون‌های هوشی را استخدام نمی‌کنند. علاوه بر این که استخدام آن‌ها توسط این مدارس کار کاملاً عجیبی است. با ملاحظه‌ی متخصصان واجد شرایط استخدام شده در مدارس دولتی باز هم ارزشیابی آنان در مدرسه‌ای معین قابل اطمینان نیست. بنابراین باید این شغل را مورد به مورد و مدرسه به مدرسه مورد بررسی قرار داد. همان‌طور که متخصصان خوب پزشکی باید خارج از شبکه‌ی مراقبت‌های اولیه‌ی بهداشت جستجو شوند، متخصصانی هم که برای اجرای آزمون ارزشیابی روان‌شناختی آموزش دیده‌اند بهتر است در ارزشیابی و مراقبت از کودکان و بزرگسالانی که در مدرسه یا دانشگاهشان متخصص ندارند، تجربه داشته باشند.

آزمون‌های محدود که فقط از آزمون IQ و ارزیابی سطوح پیشرفت تحصیلی تشکیل می‌شود، اطلاعات کافی از کارکرد مغزی کودکان یا بزرگسالان فراهم نمی‌کند تا بالاترین سطح مراقبت استاندارد و مداخله‌های هدفمند فراهم گردد. در یک فرد مبتلا به اختلال یادگیری ارزشیابی عصب روان‌شناختی ممکن است به عنوان یک ضرورت پزشکی برای اهداف مورد بررسی و روشن کارکردهای مغزی باشد. اگر شرایط پزشکی دیگر وجود داشته باشد ارزشیابی عصب روان‌شناختی فوق العاده مهم است، اما اگر این شرایط هم نباشد باز ارزشیابی عصب روان‌شناختی اهمیت دارد. مجریان دور اندیش بیمه توصیه کرده اند تا تعیین کنند که آیا خدمات ضروری می‌تواند به وسیله ی یک متخصص واجد شرایط در مدرسه ی خصوصی ارایه شود.

یک اختلال یادگیری اختلالی مزمن و مادام العمر است. تأثیر این ناتوانی می‌تواند روی عاطفه، آموزش و عملکرد حرفه‌ای با توجه به شرایط زندگی، ارتباطات میان فردی و نقاط ضعف و قوت فردی و به علاوه تأثیر روی جامعه مهم باشد. کودکان مبتلا به اختلال یادگیری در مدرسه عملکرد بدی دارند و انتظار نمی‌رود که بتوانند دیپلم بگیرند. اختلال یادگیری می‌تواند تأثیر نامطلوبی روی عملکرد شغلی در بزرگسالی داشته باشد. شناسایی به موقع این محدودیت‌ها و توانایی‌های عصب روان‌شناختی می‌تواند آموزش، شغل و طرح‌های درمانی را تسهیل کند. در هر صورت باید ارزشیابی مناسب صورت گرفته باشد